

Biannual Journal of Applied
Counseling
2012, 2(1), 63-74
Received: 09 Sep 2012
Accepted: 18 Dec 2012

دو فصلنامه مشاوره کاربردی
۶۳-۷۴، ۲(۱)، ۱۳۹۱
دریافت: ۹۱/۰۶/۱۹
پذیرش: ۹۱/۰۹/۲۸

رابطه‌ی همبستگی، تطابق‌پذیری و ارتباط خانواده با رضایت از زندگی
و بهزیستی فردی در دانش‌آموزان دختر

The relationship between family cohesion, adaptability and communication with life satisfaction and personal well-being among female students

Khaled Aslani
Bahare Purjam

خالد اصلانی*
بهاره پورجم**

Abstract:

The aim of this study was to investigate the relationship between family cohesion, adaptability and communication and life satisfaction and personal well-being among female students in Ahvaz high schools. The sample consisted of 190 high school girls selected through random cluster sampling method. The participants completed four questionnaires (Family Adaptability and Cohesion Evaluation Scale, Family Communication Scale, Brief Multi-dimensional Life Satisfaction Scale and Personal Well-being Index-School students). The results indicated that family cohesion, adaptability and communication were positively correlated with life satisfaction and personal well-being. Stepwise regression analysis showed that family cohesion and communication could predict life satisfaction and personal well-being.

Keywords: family cohesion, adaptability, communication, life satisfaction, personal well-being

چکیده:

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی همبستگی، ارتباطات و تطابق‌پذیری خانواده با رضایت از زندگی و بهزیستی فردی دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های شهر اهواز بود. نمونه این پژوهش ۱۹۰ نفر دختر دبیرستانی بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای از بین جامعه دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر اهواز انتخاب شدند. در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس ارزیابی همبستگی و تطابق‌پذیری خانواده (FACESII)، مقیاس ارتباط خانواده (FCS)، مقیاس کوتاه چند بعدی رضایت از زندگی (BMLSS) و شاخص بهزیستی فردی دانش‌آموزان (PWI-SC) استفاده شد. تجزیه و تحلیل همبستگی ساده نشان داد که بین همبستگی، ارتباطات و تطابق‌پذیری خانواده با رضایت از زندگی و بهزیستی فردی دانش‌آموزان رابطه‌ی مثبت معنی‌دار وجود دارد. همچنین تجزیه و تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان داد که ارتباطات و همبستگی خانواده پیش‌بین‌های معنی‌داری برای رضایت از زندگی و بهزیستی فردی دانش‌آموزان هستند.

واژه‌های کلیدی: همبستگی، ارتباط، تطابق‌پذیری، رضایت از زندگی، بهزیستی فردی

kh.aslani@scu.ac.ir

* استادیار مشاوره گروه مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز (نویسنده مسئول)

** کارشناس مشاوره

مقدمه

خانواده به عنوان پایگاه و تکیه‌گاه رشد، سلامت و بالندگی تاثیرات بسیار پایدار و انکار نشدنی بر هر فرد انسانی دارد. نظریه‌های مختلف خانواده تلاش کرده‌اند که هر کدام از بعد خاصی به تاثیرات خانواده بر اعضای آن توجه کنند. یکی از مدل‌هایی که بر خانواده و تاثیرات آن بر افراد تاکید کرده است، مدل چندبعدی اولسون، اسپرنکل و راسل (۱۹۷۹) است. مدل چند بعدی بر سه بعد محوری سیستم‌های خانواده و زوج تمرکز دارد که شامل همبستگی یا صمیمیت، تطابق‌پذیری یا انعطاف‌پذیری و ارتباطات است. از نظر مدل چندبعدی، سیستم‌های خانوادگی و زوجی متعادل در مقایسه با سیستم‌های نامتعادل عملکردهای مؤثرتری دارد. در ۲۵۰ مطالعه که با استفاده از این مدل انجام شده، حمایت قوی برای آن به‌دست آمده است (اولسون، ۱۹۹۹).

مدل چند بعدی سیستم‌های خانوادگی و زوجی در تلاش برای پل‌زدن بر شکاف‌های موجود در نظریه و کاربرد ایجاد شده است (اولسون، راسل و اسپرنکل، ۱۷۸۹، ۱۹۷۹). مدل چندبعدی به صورت ویژه‌ای جهت تشخیص‌های ارتباطی مؤثر است، چون که به صورت سیستمی بر سه بعد تمرکز داشته و مکرراً در بسیاری از پژوهش‌های خانواده‌درمانی و مدل‌های نظری خانواده، ارتباطات یکپارچه این سه بعد با هم نشان داده شده است. این مدل برای ارزیابی‌های کلینیکی، طرح‌های درمانی و اثربخشی خانواده‌درمانی و زوج‌درمانی طراحی شده است (اولسون، ۱۹۹۶، ۱۹۹۳).

همبستگی خانواده^۱ به عنوان پیوند عاطفی اعضای خانواده نسبت به همدیگر تعریف می‌شود که شامل پیوند عاطفی، مرزها، اتحاد، زمان، فضا، دوستان، تصمیم‌گیری و علایق و تفریحات هستند. همبستگی بر این نکته تمرکز دارد که سیستم‌ها چگونه میزان دوری و نزدیکی خود را تنظیم می‌کنند. تطابق‌پذیری^۲ خانواده به میزان تغییرات در رهبری، ارتباطات نقشی و آیین‌های ارتباطی می‌پردازد که شامل رهبری (کنترل و نظم)، سبک‌های مذاکره، ارتباطات نقشی و آیین‌های ارتباطی هستند. تطابق‌پذیری بیشتر به این موضع می‌پردازد که چگونه سیستم‌ها بین ثبات و تغییر تعادل ایجاد می‌کنند. ارتباطات خانواده^۳ به عنوان سومین بعد نقشی تسهیل‌کننده برای دو بعد دیگر دارد و مشتمل بر ردگیری، احترام و توجه هستند (اولسون، ۱۹۹۹). یکی از ابعاد روان‌شناسی مثبت، مفهوم رضایت از زندگی^۴ است. رضایت از زندگی به عنوان ارزیابی شناختی از میزان رضایت یک فرد از زندگی به عنوان یک کل تعریف شده است (دینر، ۱۹۹۴). رضایت از زندگی تحقیقات بسیار زیادی را به خود اختصاص داده است (دینر و دینر، ۱۹۹۶؛ هیوبنر، ۲۰۰۴). رضایت از زندگی نه تنها برای خود فرد مهم است، بلکه تفاوت‌های فردی در میزان رضایت از زندگی، رفتارهای رشدی درونی و بیرونی افراد را نیز پیش‌بینی می‌کند (مک‌نایت، هیوبنر و سولدو، ۲۰۰۲؛ سولدو و هیوبنر، ۲۰۰۴a). روان‌شناسان مثبت‌نگر تلاش می‌کنند تا رضایت از زندگی را به وسیله غنی‌سازی عوامل مؤثر بر آن ارتقاء

-
1. family cohesion
 2. family adoptability
 3. family communication
 4. life satisfaction

دهند (ما و هیوبنر، ۲۰۰۸). مطالعات در مورد رضایت از زندگی نوجوانان بر ابعاد جمعیت‌شناختی، محیطی و همبسته‌های بین‌فردی تمرکز کرده‌اند. از بین عوامل سه‌گانه‌ی فوق همبسته‌های بین‌فردی بیشترین ارتباط را با رضایت از زندگی نوجوانان نشان داده‌اند. برای مثال تحقیقات نشان می‌دهد کیفیت روابط بین‌فردی مانند دلبستگی به والدین و همسالان می‌تواند تفاوت‌های بین‌فردی در میزان رضایت از زندگی را تعیین کند (نیکرسون و ناگل، ۲۰۰۵). همچنین تفاوت در ساختار خانواده (ذالینگ، والیوس، هیوبنر و دراین، ۲۰۰۵) و رفتارهای والدینی (پیتو و کامینز، ۲۰۰۰؛ سولدو و هیوبنر، ۲۰۰۴b) بر میزان رضایت از زندگی نوجوانان تأثیر دارد. عمده تحقیقات در زمینه رضایت از زندگی بر تفاوت‌های بهزیستی فرزندان در انواع خانواده‌ها شامل خانواده‌های سالم، خانواده تک‌والدی مادر والد و خانواده همراه با مادر و ناپدری تمرکز کرده‌اند (ایتل، ۲۰۰۶؛ هیرد، ۲۰۰۷). همچنین مشکلات عمده در روابط بین والدین و فرزندان به طور قوی باعث کاهش میزان رضایت از زندگی نوجوانان شده است (بیارناسون و همکاران، ۲۰۱۲). در تحقیق بیارناسون و همکاران (۲۰۱۲) ساختار خانواده حدود ۶٪ از واریانس رضایت از زندگی فردی را تبیین می‌کرد. آنها همچنین با کنترل کردن موقعیت اقتصادی خانواده و مشکلات ارتباطی دریافتند که بیشترین میزان رضایت از زندگی مربوط به خانواده‌های سالم می‌باشد.

لاچواسکی و لاچواسکا (۲۰۰۷) در تحقیقی رابطه بین ارتباطات والد-فرزندی و سطح همبستگی و تطابق‌پذیری خانواده براساس مدل چندبعدی اولسون را مورد بررسی قرار دادند. آنها دریافتند سطح متعادل از همبستگی و تطابق‌پذیری باعث اصلاح واکنش‌های هیجانی فرزندان در مورد وظایف آنها می‌شود. در این گونه خانواده‌ها، فرزندان رضایت بیشتری را تجربه می‌کنند، احساس همبستگی عمیق‌تری با والدین خود دارند و برای زندگی بزرگسالی بهتر آماده می‌شوند. کریستینسن (۲۰۰۴) با ارائه مدل خانواده ارتقاءدهنده سلامت^۱ بر اهمیت خانواده در سلامت و بهزیستی فرزندان تأکید می‌کند. نتیجه تحقیق سولدو و هیوبنر (۲۰۰۶) نشان داد که ارتباطات خانواده در مقایسه با ارتباط با دوستان، مدرسه و محیط بالاترین همبستگی را با رضایت از زندگی دارد. با وجود میزان زیاد زمانی که نوجوانان با همسالان صرف می‌کنند، کیفیت ارتباط خانواده مهمترین عامل در رضایت از زندگی نوجوانان می‌باشد. همچنین تحقیق سولدو و هیوبنر (۲۰۰۶) و استورکسن، رويسامب، مام و تامبز (۲۰۰۵) نشان داد بین بعضی از عوامل خانوادگی مانند رابطه مثبت والد-فرزندی و حمایت اجتماعی والدین با رضایت از زندگی ارتباط وجود دارد.

بهزیستی فردی شامل یک جزء شناختی، به عنوان قضاوت در مورد رضایت از زندگی و یک جزء هیجانی، به عنوان سطوح بالای مثبت‌گرایی و سطوح پایین عواطف منفی می‌باشد (لارسون و پریمیک، ۲۰۰۸). یکی از متغیرهایی که به عنوان پیش‌بین‌های بهزیستی فردی در خانواده مورد بررسی قرار گرفته همبستگی خانواده است (اولسون، پورتنر و لاوی، ۱۹۸۵). در حقیقت همبستگی که به عنوان درجه باهم بودن یا نزدیکی یا پیوند عاطفی بین اعضای خانواده تعریف شده است، با بهزیستی بین‌فردی و رضایت در اعضای خانواده ارتباط دارد (گرین، هارین، فورت، رابینسون، ۱۹۹۱a، ۱۹۹۱b). ارتباط بین همبستگی بالا و

بهبودی فردی در پژوهش‌های زیادی مورد بررسی قرار گرفته است (برگر، ۲۰۰۳؛ به نقل از وان‌دی‌لور، جینپتر، پرز و شویی، ۲۰۱۰؛ الرمن و استراهان، ۱۹۹۵؛ مک کارتی، لامبرت و اسپرافین، ۲۰۰۴؛ وان‌دی‌لور، پرز و شویی، ۲۰۰۷ و ویز، ۱۹۹۹؛ به نقل از وان‌دی‌لور و همکاران، ۲۰۰۹). عمده این پژوهش‌ها نشان دادند که این ارتباط بین نوجوانان و والدین جوان بوده است. ویز (۱۹۹۹)، به نقل از وان‌دی‌لور و همکاران، (۲۰۰۹) دریافت که بین همبستگی و استرس‌های خانوادگی رابطه منفی و با سلامت فیزیکی و بهبودی هیجانی و رضایت از زندگی رابطه مثبت وجود دارد. آماتو (۲۰۰۱) بهبودی کودکان در خانواده‌های طلاق و خانواده‌های عادی را بررسی کرد و دریافت که بهبودی کودکان خانواده‌های طلاق به طور معنی‌داری پایین‌تر از بهبودی کودکان خانواده‌های عادی می‌باشد. رفتارهای والدینی و کیفیت روابط والد-فرزند در فهم بهبودی فرزندان نقش مهمی را بازی می‌کند. کیفیت والدینی یکی از پیش بین‌های بهبودی فرزندان در خانواده‌های عادی و خانواده‌های طلاق است (آماتو، ۲۰۰۵ و دان ۲۰۰۵، به نقل از سانی، یودیو، اوکیدچی، مودو، ایزه، ۲۰۱۰). با توجه به بررسی‌های انجام شده و بازنگری تحقیقات پیشین، هدف پژوهش حاضر تعیین روابط ساده و چندگانه همبستگی، تطابق‌پذیری و ارتباطات خانوادگی با بهبودی فردی و رضایت از زندگی دانش‌آموزان دختر است.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

این پژوهش یک پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است که در آن روش‌های آماری همبستگی ساده پیرسون و رگرسیون چند متغیری به کار گرفته شد. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای ۱۹۰ نفر از دانش‌آموزان دختر از بین جامعه دانش‌آموزان دختر دبیرستانی شهر اهواز انتخاب شدند. پس از تشریح اهداف پژوهش و آماده شدن داوطلبان برای پاسخگویی به پرسشنامه‌ها، ابزارهای پژوهش در اختیار آنها قرار گرفت.

ابزار سنجش

مقیاس ارزیابی همبستگی و تطابق‌پذیری خانواده^۱ (FACESII): این مقیاس توسط اولسون (۱۹۸۱) طراحی شد. فرم اولیه شامل ۵۰ ماده بود که به شکل لیکرت ۱ الی ۵ نمره گذاری می‌شود. فرم ویرایش دوم این مقیاس که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت توسط اولسون و همکاران (۱۹۸۲) از فرم اولیه استخراج شده است که شامل ۳۰ ماده است که به روش لیکرت از هیچ وقت با نمره ۱ تا همیشه با نمره ۵ نمره گذاری می‌شود و دو حیطه‌ی کلی همبستگی با ۱۶ ماده و تطابق‌پذیری با ۱۴ ماده را می‌سنجد. حیطه همبستگی شامل هشت مفهوم پیوند عاطفی، مرزها، اتحاد، زمان، فضا، دوستان، تصمیم‌گیری و علایق و تفریحات است. که هر کدام توسط ۲ ماده سنجیده می‌شوند. حیطه تطابق‌پذیری

1. Family Adaptability and Cohesion Evaluation Scale

شامل شش مفهوم رهبری کنترل، نظم، سبک‌های مذاکره، ارتباطات نقشی و آیین‌های ارتباطی است که هر کدام توسط ۲ یا ۳ ماده سنجیده می‌شوند. همچنین این مقیاس دارای دو فرم خانواده و زوج است که در این تحقیق از فرم خانواده استفاده شد. پایایی این مقیاس از طریق آلفای کرونباخ برای هر کدام از خرده مقیاس‌ها شامل همبستگی ۰/۸۷، تطابق‌پذیری ۰/۷۸ و کل مقیاس ۰/۹۰ و همچنین پایایی مقیاس از طریق روش بازآزمایی برای خرده مقیاس‌های همبستگی و تطابق‌پذیری به ترتیب شامل ۰/۸۸، ۰/۷۸ و برای کل مقیاس ۰/۹۰ بود. پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر برای کل مقیاس ۰/۷۶ به دست آمد.

مقیاس ارتباطات خانواده^۱ (FCS): این مقیاس توسط اولسون و ویلسون (۱۹۸۲) طراحی شده است. این مقیاس ۱۰ سوالی بازنگری شده مقیاس ۱۴ سوالی اولسون و ویلسون است که میزان رضایت از ابعاد مختلف کارکرد خانواده از جمله میزان همبستگی و تطابق‌پذیری و ارتباطات خانواده را بررسی می‌کند و به شکل لیکرتی خیلی ناراضی نمره ۱ تا خیلی راضی نمره ۵ نمره گذاری می‌شود. اولسون و ویلسون (۱۹۸۹) پایایی این مقیاس را از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و از طریق بازآزمایی ۰/۸۵ گزارش کردند. آنها همچنین با همبسته کردن این مقیاس با مقیاس کیفیت زندگی نشان دادند که این مقیاس از روایی همزمان مناسبی برخوردار است. در پژوهش حاضر نیز پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۷۶ به دست آمد.

مقیاس کوتاه چند بعدی رضایت از زندگی^۲ (BMLSS): این مقیاس توسط هیوینر، سولدو، دراین، و ذالیگ (۲۰۰۴) ساخته شد و توسط ذالیگ، هیوینر، گیلن، پاتون و اوسترم (۲۰۰۵) اعتباریابی شد. این مقیاس شامل ۸ ماده است که میزان رضایت از ابعاد خود، زندگی کلی، دوستان، خانواده، محل کار، محل زندگی، موقعیت مالی و چشم انداز آینده را می‌سنجد. ماده‌های این مقیاس به شکل لیکرتی از صفر یعنی وحشتناک تا ۶ یعنی بیشترین رضایت نمره گذاری می‌شوند. پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۷ بود (بوسینگ، فیشر، هالر، هیوسر، اوسترم، و ماتیسن، ۲۰۰۹). در پژوهش حاضر پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۷۰ به دست آمد.

شاخص بهزیستی فردی فرم دانش آموز^۳ (PWI-SC): مقیاس بهزیستی فردی برگرفته از مقیاس کیفیت کلی زندگی کامینز (۱۹۹۳) است. هدف این مقیاس سنجش میزان بهزیستی است. این مقیاس دارای ۸ ماده است که میزان بهزیستی از ابعاد استاندارد زندگی، سلامت، پیشرفت زندگی، روابط فردی، امنیت شخصی، ارتباطات اجتماعی، امنیت آینده و بعد معنوی- مذهبی را به صورت لیکرتی از صفر یعنی کمترین میزان شادمانی تا ۱۰ یعنی بیشترین شادمانی را می‌سنجد

-
1. Family communication scale
 2. Brief Multidimensional Life Satisfaction Scale
 3. Personal Well-being Index- School Children

(کامینز و لو، ۲۰۰۵). کامینز (۱۹۹۳) پایایی این شاخص را ۰/۸۵ گزارش کرد. در پژوهش حاضر پایایی کل مقیاس به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ محاسبه شد.

یافته‌ها

جدول ۱ اطلاعات مربوط به تعداد نمونه، میانگین، انحراف استاندارد، کمترین و بیشترین نمره را نشان می‌دهد.

جدول ۱

اطلاعات مربوط به تعداد نمونه، میانگین، انحراف استاندارد،

کمترین و بیشترین نمره

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین نمره	بیشترین نمره
همبستگی	۵۶/۳	۶/۸	۳۶/۵	۸۱
تطابق‌پذیری	۴۸/۶	۷/۸	۲۵	۶۵
ارتباطات	۳۶/۹	۸/۰۸	۱۴	۶۰
رضایت از زندگی	۶۱/۳	۱۲/۲	۲۴	۸۰
بهبودی فردی	۲۹/۹	۵/۵	۱۶	۴۲

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد میانگین و انحراف استاندارد متغیر همبستگی ۵۶/۳ و ۶/۸، متغیر تطابق‌پذیری ۴۸/۶ و ۷/۸، متغیر ارتباطات ۳۶/۹ و ۸/۰۸، متغیر رضایت از زندگی ۶۱/۳ و ۱۲/۲ و میانگین و انحراف استاندارد متغیر بهبودی فردی ۲۹/۹ و ۵/۵ است.

جدول ۲ اطلاعات مربوط به همبستگی ساده بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۲

همبستگی ساده بین همبستگی، تطابق‌پذیری، ارتباطات،

رضایت از زندگی و بهبودی فردی

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵
همبستگی	۱				
تطابق‌پذیری	۰/۵۸۲**	۱			
ارتباطات	۰/۵۰۴**	۰/۶۷۵**	۱		
رضایت از زندگی	۰/۴۴۶**	۰/۵۱۲**	۰/۵۹۸**	۱	
بهبودی فردی	۰/۴۶۵**	۰/۴۵۸**	۰/۴۷۶**	۰/۵۶۱**	۱

*میزان معنی‌داری در سطح آلفای ۰/۰۵ **میزان معنی‌داری در سطح آلفای ۰/۰۱

همان‌گونه که در جدول شماره‌ی ۲ ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی بین همبستگی با رضایت از زندگی و بهزیستی فردی به ترتیب برابر با ۰/۴۴۶ و ۰/۴۶۵ است و ضریب همبستگی بین تطابق‌پذیری با رضایت از زندگی و بهزیستی فردی به ترتیب برابر با ۰/۵۱۲ و ۰/۴۵۸ است. همچنین ضریب همبستگی بین ارتباطات با رضایت از زندگی و بهزیستی فردی به ترتیب برابر با ۰/۵۹۸ و ۰/۴۷۶ است. همه‌ی این ضرایب در سطح $P < ۰/۰۱$ معنی‌دار هستند.

با این هدف که نمره متغیرهای همبستگی، تطابق‌پذیری و ارتباطات تا چه حد می‌توانند نمره متغیرهای رضایت از زندگی و بهزیستی فردی را پیش‌بینی کنند، از روش رگرسیون گام به گام استفاده شد.

جدول شماره ۳

رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی رضایت از زندگی براساس همبستگی، تطابق‌پذیری و ارتباطات خانوادگی

مدل	پیش بین	R	R2	F	B	β	T	P
۱	ارتباطات	۰/۵۹۸	۰/۳۵۷	۱۰۴/۵	۰/۹۰	۰/۶۰	۱۰/۲۲	۰/۰۰۱
۲	همبستگی	۰/۶۲۱	۰/۳۸۶	۵۸/۷	۰/۳۵	۰/۱۹	۲/۹۳	۰/۰۰۴

همان‌گونه که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، از بین متغیرهای پیش‌بین، متغیرهای ارتباطات و همبستگی پیش‌بین‌های معنی‌داری برای رضایت از زندگی هستند و در مجموع حدود ۳۹ درصد از واریانس رضایت از زندگی را تبیین می‌کنند.

جدول شماره ۴

رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی بهزیستی فردی براساس همبستگی، تطابق‌پذیری و ارتباطات خانوادگی

مدل	پیش بین	R	R2	F	B	β	T	P
۱	ارتباطات	۰/۴۷۱	۰/۲۲	۵۳/۶	۰/۳۲	۰/۴۷	۷/۳	۰/۰۰۱
۲	همبستگی	۰/۵۳۵	۰/۲۹	۳۷/۵	۰/۲۴	۰/۲۹	۴/۱	۰/۰۰۱

بر اساس جدول ۴، از بین متغیرهای پیش‌بین، متغیرهای ارتباطات و همبستگی پیش‌بین‌های معنی‌داری برای بهزیستی فردی هستند و در مجموع حدود ۲۹ درصد از واریانس بهزیستی فردی را تبیین می‌کنند.

بحث

در این پژوهش رابطه‌ی همبستگی، تطابق‌پذیری و ارتباطات خانوادگی با رضایت از زندگی و بهزیستی فردی مورد بررسی قرار گرفت. براساس یافته‌های این پژوهش، بین همبستگی، تطابق‌پذیری و ارتباطات خانواده با رضایت از زندگی رابطه‌ی مثبت معنی‌داری وجود دارد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های ما و هیونگر (۲۰۰۸)، نیکرسون و ناگل (۲۰۰۵)، ذالیگ، والیوس، هیونگر و دراین، (۲۰۰۵)، بیارناسون و همکاران (۲۰۱۲)، لاچواسکی و لاچواسکا (۲۰۰۷)، هیرد (۲۰۰۷) استورکسن، رویسامب و مام (۲۰۰۵) و اتیل (۲۰۰۶) همسو است. بعد همبستگی به میزان دوری و نزدیکی اعضای خانواده اشاره می‌کند و بر این نکته تمرکز دارد که سیستم‌ها چگونه میزان دوری و نزدیکی خود را تنظیم می‌کنند (اولسون، ۱۹۹۹). مطابق نظریه‌های خانواده درمانی به ویژه نظریه ساختاری مینوچین خانواده‌ها زمانی در سلامت به سر می‌برند که بین آنها تعلق خاطر وجود داشته باشد. این تعلق خاطر بر میزان نزدیکی و حفظ حریم آنها در این صمیمیت ایجاد و حفظ می‌شود. براساس نتایج این تحقیق دانش‌آموزان در خانواده‌های با همبستگی بالا رضایت از زندگی بالایی را نیز تجربه می‌کنند. تحقیق سولدو و هیونگر (۲۰۰۶) و استورکسن، رویسامب، مام و تامیز (۲۰۰۵) نشان داد بین بعضی از عوامل خانوادگی مانند رابطه مثبت والد-فرزندی و حمایت اجتماعی والدین با رضایت از زندگی ارتباط وجود دارد. از نظر اولسون تطابق‌پذیری بیشتر به این موضع می‌پردازد که چگونه سیستم‌ها بین ثبات و تغییر تعادل ایجاد می‌کنند. ایجاد این تعادل یکی از وظایف خانواده است. نظریات مینوچین و اولسون بر ایجاد تعادل در ثبات و تغییر تاکید می‌کنند. لاچواسکی و لاچواسکا (۲۰۰۷) در تحقیقی رابطه بین ارتباطات والد-فرزندی و سطح همبستگی و تطابق‌پذیری خانواده براساس مدل چند بعدی اولسون را مورد بررسی قرار دادند. آنها دریافتند سطح متعادلی از همبستگی و تطابق‌پذیری باعث اصلاح واکنش‌های هیجانی فرزندان در مورد وظایف آنها می‌شود. ارتباطات نیز که سنگ بنا و رابطه‌ی برای مفاهمی همبستگی و تطابق‌پذیری به شمار می‌آید، با رضایت از زندگی رابطه مثبت معنادار دارد و بنا بر نتایج تحقیقات، مشکلات عمده در روابط بین والدین و فرزندان به‌طور جدی باعث کاهش میزان رضایت از زندگی نوجوانان می‌شود (بیارناسون و همکاران، ۲۰۱۲).

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، بین همبستگی، تطابق‌پذیری و ارتباطات خانواده با بهزیستی فردی رابطه‌ی مثبت معنی‌داری وجود دارد. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیقات اولسون، پورتنر و لویی (۱۹۸۵)، لارسون و پریمیک (۲۰۰۸)، گرین، هارین، فورت، رابینسون (۱۹۹۱a، ۱۹۹۱b)، برگر (۲۰۰۳)؛ به نقل از واندیلور، جینپتر، پرز و شویی، (۲۰۱۰)، الرمن و استراهان (۱۹۹۵)، مک کاتر، لامبرت و سرافین (۲۰۰۴)، واندلور، پرز و شویی (۲۰۰۷)، ویز (۱۹۹۹)؛ به نقل از واندلور و همکاران، (۲۰۱۰)، آماتو (۲۰۰۱) و (آماتو ۲۰۰۵) و دان (۲۰۰۵)؛ به نقل از سانی، یودیو، اوکیدجی، مودو، ایزه، (۲۰۱۰) همسو می‌باشد. این تحقیقات اهمیت خانواده در بهزیستی فردی را مورد توجه قرار دادند. تحقیق حاضر نشان داد که همبستگی، تطابق‌پذیری و ارتباطات خانوادگی به صورت مثبت و معنی‌داری با بهزیستی ارتباط دارند و نشان از اهمیت

سیستم خانواده و تاثیر آن بر اعضای خانواده است. همچنین تجزیه و تحلیل رگرسیون چندمتغیری نشان داد که ابعاد همبستگی و ارتباطات که هر دو نشان از صمیمیت و احساس تعلق در خانواده است پیش بین‌های معنی‌داری هم برای بهزیستی فردی و هم برای رضایت از زندگی به حساب می‌آیند.

نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج پژوهش مبنی بر رابطه ابعاد ارتباطات، تطابق‌پذیری و همبستگی خانواده بر بهزیستی فردی و رضایت از زندگی و با توجه به اهمیت تعاملات خانواده، برنامه‌ریزی از سوی مسئولین مربوطه برای داشتن خانواده‌ای پویا حایز اهمیت فراوان است. همچنین براساس نتایج پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود که در آموزش‌های خانواده تاکید زیادی بر ایجاد احساس تعلق و همبستگی در خانواده شود. این پژوهش به نمونه دخترها و نیز به گروه سنی نوجوان اختصاص دارد، به همین دلیل تعمیم نتایج این پژوهش به جامعه پسرها و سایر گروه‌های سنی مشکل است. مطالعه متغیرهای پژوهش حاضر در نمونه پسرها و دخترهای با گروه سنی مختلف از پیشنهاد‌های پژوهش حاضر است.

References

- Amato, P. & Sobolewki, J. M. (2001). The effects of divorce on adult children's psychological well-being. *American Sociological Review*, 66: 900-921
- Bjarnason, T. & et all (2012). Life Satisfaction Among Children in Different Family Structures: A Comparative Study of 36 Western Societies. *Children & Society Volume 26*, 51-62.
- Büssing A., Fischer J., Haller A., Heusser P., Ostermann T., Matthiessen P. F. (2009). Validation of the brief multidimensional life satisfaction scale in patients with chronic diseases. *European Journal of Medicine Research*; 14: 171-177.
- Christensen, P. (2004). The health promoting family: A conceptual framework for future research. *Social Science Medicine*, 59, 377-387.
- Cummins, R. A. and Lau, A. L. (2005). Personal Wellbeing Index – School Children. 3rd Edition. Melbourne: Australian Centre on Quality of Life, Deakin University.
- Diener, E. (1994). Assessing subjective well being: Progress and opportunities. *Social Indicators Research*, 31, 103 – 157.
- Diener, E., & Diener, C. (1996). Most people are happy. *Psychological Science*, 7, 181 – 185.
- Diener, E., Suh, E. & Oishi, S. (1996). Recent findings on subjective well-being. *Indiana Journal of clinical psychology*. 24, 25-41.

- Eitle D. (2006). Parental gender, single-parent families, and delinquency: exploring the moderating influence of race / ethnicity. *Social Science Research* 35: 727–748.
- Ellerman, D. A., & Strahan, B. J. (1995). Family functioning and children's self-esteem: A test of the structure and relationships of the FACES III. *Journal of Family Studies*, 1, 48 – 57.
- Green, R. G., Harris, R. N., Forte, J. & Robinson, M. (1991a). Evaluating FACES III and the circumplex model: 2,440 families. *Family Process*, 30, 55 – 73.
- Green, R. G., Harris, R. N., Forte, J., & Robinson, M. (1991b). The wives data and FACES IV: Making things appear simple. *Family Process*, 30, 79 – 83.
- Heard H. E.(2007). Fathers, mothers, and family structure: family trajectories, parent gender, and adolescent schooling. *Journal of Marriage and the Family* 69: 435–450.
- Huebner E. S., Suldo S., Valois R. F., Drane J. W., Zullig K. (2004). Brief multidimensional students' life satisfaction scale: sex, race, and grade effects for a high school sample. *Psychol Rep*, 94: 351-356.
- Huebner, E. S. (2004). Research on assessment of life satisfaction in children and adolescents. *Social Indicators Research*, 66, 3 – 33.
- Lachowski, S. Lachowska, B (2007). Mental well being of children engaged in agricultural work activities and quality of family environment. *Ann Agric Environ Med* , 14, 115-121.
- Larsen, R. J., & Prizmic, Z. (2008). Regulation of emotional well-being: Overcoming the hedonic treadmill. In E. Michael & R. J. Larsen (Eds.), *The science of subjective well-being* (pp. 258 – 289). New York: Guilford Press.
- Ma, C. Q. & Huebner, E. S. (2008). Attachment relationship and adolescents satisfaction: some relationship matter more to girl than boys. *Psychology in the Schools*, Vol. 45(2),115-123.
- McCarthy, C. J., Lambert, R. G., & Seraphine, A. E. (2004). Adaptive family functioning and emotion regulation capacities as predictors of college students' appraisals and emotion valence following conflict with their parents. *Cognition and Emotion*, 18, 97 – 124.
- McKnight, C., Huebner, E. S., & Suldo, S. M. (2002). Relationships among stressful life events, temperament, problem behavior, and global life satisfaction. *Psychology in the Schools*, 39, 677 – 687.
- Nickerson, A., & Nagle, R. J. (2005). Parent and peer attachment in late childhood and early adolescence. *Journal of Early Adolescence*, 25, 223 – 249.

- Olson, D. H., Russell, C. S. & Sprenkle, D. H. (1989). Circumplex Model: Systemic assessment and treatment of families. New York: *Haworth Press*.
- Olson, D. H. & Wilson, M. (1982, 1989). *Family Satisfaction*. In Olson, D.H. and colleagues. *Families: What Makes Them Work*. Newbury Park, CA: Sage Publishing.
- Olson, D. H. (1993). Circumplex Model of Marital and Family Systems. In F. Wals (Ed.), *Normal Family Processes*. (2nd Ed.). New York: Guilford Press.
- Olson, D. H. (1996) Clinical assessment & treatment interventions using the Circumplex Model. *Handbook of Relational Diagnosis and Dysfunctional Family Patterns*. New York: John Wiley and Sons.
- Olson, D. H. (1999). Empirical Approaches to Family Assessment. *Journal of Family Therapy*. Published as a special edition.
- Olson, D. H., Portner, J., & Lavee, Y. (1985). *FACES III*. Minneapolis *Family Social science*, University of Minnesota.
- Olson, D. H., Sprenkle, D. H., & Russel, C. S. (1979). Circumplex model of marital and family systems 1: Cohesion and adaptability dimensions, family types and clinical applicational. *Family Process*, 18, 3–28.
- Petito, F. & Cummins, R. (2000). Quality of life in adolescents: The role of perceived control, parenting style, and social support. *Behaviour Change*, 17, 196 – 207.
- Sanni, K. B., Udoh, N. A., Okediji, A. A., MODO, F. N., & Ezech, L. N. (2010). Family Types and Juvenile Delinquency Issues among Secondary School Students in Akwa Ibom State, Nigeria: Counseling Implications. *Journal of Social Scinece* , 23(1): 21-28
- Storksens, I. Roysamb, E., Moum T., & Tambs, K. (2005). Adolescents with a childhood experience of parental divorce: A longitudinal study of mental health & adjustment. *Journal of Adolescence*, 28: 725-739.
- Suldo, S. M., & Huebner, E. S. (2004b). The role of life satisfaction in the relationship between authoritative parenting dimensions and adolescent problem behavior. *Social Indicators Research*, 66, 165–195.
- Suldo, S. M., & Huebner, E. S. (2004a). Does life satisfaction moderate the effects of stressful life events on psychopathological behavior in adolescence? *School Psychology Quarterly*, 19, 93 – 105.
- Suldo, S.M. & Huebner, E.S. (2006). Is extremely high life satisfaction during adolescence advantageous? *Social Indicators Res.*, 78: 179-203.

- Vandeleur, C. L., Jeanpretre, N., Perrez, M. & Schoebi, D. (2009). Cohesion, Satisfaction With Family Bonds, and Emotional Well-Being in Families With Adolescents. *Journal of Marriage and Family*, 71: 1205 – 1219.
- Vandeleur, C., Perrez, M., & Schoebi, D. (2007). Associations between measures of emotion and familial dynamics in normative families with adolescents. *Swiss Journal of Psychology*, 66, 5 – 16.
- Zullig K. J, Huebner E. S, Gilman R, Patton J. M, & Murray K. A. (2005). Validation of the brief multidimensional students' life satisfaction scale among college students. *American Journal of Health Behavior*, 29: 206-214.
- Zullig, K. J, Valois, R. F., Huebner, E. S., & Drane, J. W. (2005). Associations among family structures, demographics, and adolescent perceived life satisfaction. *Journal of Child and Family Studies*, 14, 195 – 206.